

هنر جنگ

نویسنده

سان تزو

مترجم

آرمیتا محمدی

www.ketab.ir



- نویسنده: سان تزو
- مترجم: آرمیتا محمدی
- نشر: راز معاصر
- ناشر همکار: نشر پرثوا
- صفحه آرا: فریبا بادامی
- طراح جلد: آتلیه راونیز
- مشاور طرح: پخش راونیز
- چاپ و لیتوگرافی: بارنگ
- صحافی: راونیز
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۰۵-۸-۳
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه راونیز می باشد.

سرشناسه	: تزو، سان، Tuz's, Sun
عنوان و نام پدیدآور	: هنر جنگ / نویسنده سان تزو؛ مترجم آرمیتا محمدی
مشخصات نشر	: تهران: راز معاصر، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۰۵-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Sunzi bing fa
موضوع	: جنگ — متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م. War -- Early works to 1800
موضوع	: علوم نظامی — متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م. Military art and science -- Early works to 1800
شناسه افزوده	: محمدی، آرمیتا، ۱۳۷۹- مترجم
رده بندی کنگره	: U1۰۱
رده بندی دیویی	: ۳۵۵/۰۰۹۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۱۶۴۰۲

بر طبق دیدگاه سان تزو؛ نبرد یک رقابت چندبعدی و چندجانبه است که عملیات نظامی و نبرد حقیقی تنها یک قسمت مهم از آن است، اما درواقع تنها قسمت آن نیست و نبرد را گسترده‌تر از صحنه جنگ می‌دانست. او اعتقاد داشت که در هنگام نبرد؛ جنبه‌های سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی و روانی از بین نخواهند رفت و درحقیقت او دربارهٔ توجه انحصاری به یک روی سکه در نبرد که همان جنبه ویژه نظامی است، اخطار می‌دهد. او به تعهدات، زیربناهای ملی، رهبری سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌پردازد و به پیوستگی ارتباطات و در همین حال؛ انسجام رهبری نبرد، اعتماد میان فرماندهان نظامی و نیروهای تحت فرمان‌شان و همچنین روحیه کادر نظامی توجه می‌کند.

مدیرمسئول انتشارات پرثوآ

علی اصغر طاهری صفی آبادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	طرح ریزی
۱۴	راه اندازی یک جنگ
۱۶	حمله استراتژیک
۱۹	رزم آرای
۲۲	انرژی
۲۶	نقاط ضعف و قوت
۳۱	مانور
۳۵	تنوع تاکتیک ها
۳۷	ارتش پیاده نظام
۴۳	زمین
۴۸	موقعیت های نه گانه
۵۸	حمله با آتش
۶۱	استفاده از مأمور مخفی / جاسوس

مقدمه

سان تزو یکی از افراد سلسله چی بود. هنر فوق‌العاده جنگ او، توجه پادشاه وو، هولو را جلب کرد. هولو به او گفت: «من به دقت موارد سیزده‌گانه تو را مطالعه کردم، آیا امکان دارد که تئوری رهبری سربازان تو را روی یک آزمون کوچک اعمال کنم؟»

سان تزو پاسخ داد: «بله، ممکن است.»

هولو پرسید: «آیا زنان هم می‌توانند در این آزمون شرکت کنند؟»

پاسخ سان تزو، دوباره مثبت بود. پس ۱۸۰ زن از قصر پادشاه به صف ایستادند. سان تزو، آن‌ها را به دو گروه تقسیم کرد و دو تن از معشوقه‌های مورد علاقه پادشاه را به رهبری هر کدام درآورد. سپس دستور داد تا همه آن‌ها، نیزه در دست بگیرند و گفت: «گمان می‌کنم همه شما تفاوت بین جلو و عقب، چپ و راست را می‌دانید. آیا چنین است؟»

بانوان پاسخ دادند: «بله.»

سان تزو ادامه داد: «وقتی من می‌گویم؛ به‌پیش، شما همگی باید مستقیم به جلو نگاه کنید. وقتی می‌گویم؛ به‌چپ، همگی باید به سمت دست چپ‌تان بچرخید. وقتی می‌گویم؛ به‌راست راست، همگی باید به سمت دست راست‌تان بچرخید. وقتی گفتم؛ عقب‌گرد، باید از سمت راست، به پشت سرتان بچرخید.»

تمام بانوان دوباره، حرف‌های سان تزو را تأیید کردند. بعد از اینکه تمام دستورات و فرمان‌ها توضیح داده شد، او نیزه‌ها و تبرهای جنگی را برای مشق نظامی آماده ساخت. سپس با صدای طبل‌ها، سان تزو دستور داد: «به‌راست، راست». اما زنان فقط قهقهه زدند. سان تزو گفت: «اگر دستورات واضح و صریح نیستند و اگر به راحتی قابل فهم نیستند، پس فرمانده باید سرزنش شود.» پس دوباره شروع کرد و این بار دستور چرخش به چپ داد. در نتیجه این کار، بار دیگر جمع زنان از خنده منفجر شد. سان تزو گفت: «اگر دستورات واضح و صریح نیستند و اگر به راحتی قابل فهم نیستند، پس فرمانده باید سرزنش شود. اما اگر دستورات او روشن و واضح است و سربازان هر بار نافرمانی می‌کنند، پس این اشتباه افسران آنان است.» سپس دستور داد تا رهبران دو گروه را گردن بزنند. پادشاه از بالای خیمه‌اش مشغول تماشای اتفاقات بود. هنگامی که دید دستور اعدام معشوقه‌های مورد علاقه‌اش نزدیک به اجرا است، بسیار وحشتزده شد و فوراً این پیام را فرستاد: «ما در حال حاضر از عملکرد فرمانده در رهبری گروهان بسیار راضی هستیم. اگر ما از آن دو معشوقه بی‌بهره بمانیم، نوشیدنی‌ها و غذاهای مان عطر و طعم خود را از دست می‌دهند. درخواست‌مان این است که آن دو را گردن نزنید.»

سان تزو پاسخ داد: «یکبار از اعلی‌حضرت دستور گرفتم تا فرمانده گروهان او باشم. حالا از او دستور مسلمی دریافت کرده‌ام که در حوزه اختیارات ایشان نیست. از قبول آن عاجزم.» سپس، او دو معشوقه را گردن زد و دو سرگروه دیگر جایگزین آن دو کرد. پس از انجام این کار، طبل‌ها بار دیگر برای مشق نظامی به صدا درآمدند و بانوان متحول شدند. به چپ و راست می‌چرخیدند. به جلو و عقب قدم برمی‌داشتند، زانو می‌زدند و می‌ایستادند، با دقت و صراحت کامل و مطلقاً بدون صدایی. سان تزو یکی به پادشاه فرستاد و گفت: «سرورم، سربازان شما فوراً تعلیم داده و منظم

شده‌اند و آماده بازرسی اعلیٰ حضرت می‌باشند. از عهده هر کاری که پادشاه بخواهند، برخوانند آمد. می‌توانید به آن‌ها دستور دهید که به میان آتش و آب بروند و آن‌ها، هرگز نافرمانی نخواهند کرد.»

اما پادشاه پاسخ داد: «فرمانده، می‌توانید مشق نظامی را تمام کرده و به اردوگاه بازگردید. ما قصدی برای بازرسی گروهان نداریم.»

سپس سان تزو پاسخ داد: «پادشاه نمی‌توانند به سخنان خود جامه عمل بپوشانند.»

پس از آن، پادشاه دریافت که سان تزو کسی است که می‌تواند یک ارتش را رهبری کند و او را به فرماندهی منسوب کرد. در غرب، او ایالت چو را شکست داد و به سمت پایتخت، شهر یینگ روانه شد. در شمال، او ترس به جان ایالت چی و چین انداخت و شهرتش را در میان شاهزادگان فئودالی (نظام ارباب - رعیتی) گسترش داد. همچنین، او در قدرت پادشاه شریک بود.